بوستان اقاقی ها (فرهنگ همسایه داری در گستره قرآن، حدیث و سیره عملی معصومین(علیهم السلام))

پدید آورنده : نجمه کرمانی ، صفحه 19

اشاره:

از جمله سنت های زیبا و پسندیده اسلامی برخورد خوب و شایسته با همسایگان و در اصطلاح عرفی «همسایه داری» است. در قرآن کریم و به ویژه در سخنان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) توجه بسیاری به موضوع همسایه داری شده است و به گونه ای جدی در رفتارهای معصومین (علیهم السلام) مورد سفارش قرار گرفته است. پیشوایان معصوم اسلام همواره شعار «الجار ثم الدار» را سر لوحه رفتار خود قرار داده و آن را به شیعیان خویش نیز توصیه می نموده اند. نوشته حاضر به بررسی اجمالی این سجیه اخلاقی پرداخته است. باشد که توجه خوانندگان خود را به این ویژگی برازنده فرد مسلمان جلب نماید.

بررسی آیات مربوط به همسایه داری

در قرآن کریم آیاتی مربوط به همسایه و همسایگی وارد شده است. خداوند متعال در آیه ای به گونه آشکار مؤمنان و مسلمانان را به رعایت همسایگان دعوت می نماید و می فرماید: «وَ اعْبُدُوا اللّهِ وَ لا تُشرِکوا بِهِ شَیئاً و بِالوالِدَینِ إحساناً وَ بِذِی القُربی و الیَتمی و المَساکِینَ و الجارِ ذِی القُربی وَ الجَارِ الجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالجَنبِ وَ ابنِ السَّبیلِ وَ ما مَلَکَت أیمانُکُم؛ و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک نگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و درباره خویشان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش [و قوم] و همسایه بیگانه و همنشین و در راه مانده و بردگان خود نیکی کنید.» (نساء/ 36).

در این آیه دیده می شود که خداوند نیکی با همسایه را، خواه فامیل باشد و یا بیگانه، سفارش کرده و نیکی به همسایه را در ردیف نیکی به پدر و مادر، یتیمان و... قرار داده است.

در آیه دیگر خداوند در مورد همسایگان رسول خدا (صلی الله علیه وآله) که وی را آزار می دادند می فرماید: «لَئِن لَم یَنتَهِ المُنافِقونَ وَ الَّذینَ فِی قُلُوبِهِم مَرَضٌ وَ المُرجِعُونَ فِی المَدینَةِ لَنُغرِیَنَّکَ بِهِم ثُمَّ لا یُجاوِرُونَکَ فیها إلاّ قَلیلا؛ اگر منافقان و کسانی که در دل هایشان مرضی هست و شایعه افکنان در مدینه [از کارشان[ باز نایستند تو را سخت بر آنان مسلط می کنیم تا جز (مدت) اندکی در همسایگی تو نپایند.» (احزاب/ 60). و این گونه خداوند مهر همسایه آزاران را از سر پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) برمی دارد.

بررسی همسایه داری در حدیث و سیره

دستور و سفارش الهی: همان گونه که گفته شد در اسلام سفارش و تأکید فراوانی بر این مفهوم شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «علیکم بحسن الجوار فانَّ الله عزوجل أمر بذلک؛ بر شما باد به رفتار نیکو با همسایه، پس به درستی که خدای بلندمرتبه بدان دستور داده است». 40 در این باره نوشته اند: شبی امام حسن مجتبی (علیه السلام) از صدای مناجات نیمه شب مادر بیدار شد و به اتاق مناجات او رفت و به تماشای نیایش و نیاز او به درگاه خداوند نشست. شب جمعه بود و او به نماز ایستاده بود. اندکی گذشت اما او همچنان به نماز و نیایش خود ادامه می داد. او پس از هر نماز مؤمنین را که در همسایگی آنان می زیستند یک یک نام می برد و دعا می کرد.

رفته رفته سحرگاه نزدیک می شد اما او همچنان مشغول دعا و نماز بود و برای همه آنان که می شناخت دعا می کرد. پس از نماز صبح برخاست و نزد مادرش فاطمه (علیهاالسلام) رفت و پرسید: «مادر جان! شما برای همه مؤمنان و همسایگان دعا کردید. چرا برای خودمان دعایی ننمودید؟» فاطمه (علیهاالسلام) در چهره فرزندش حسن (علیه السلام) نگریست و فرمود: «فرزندم! اول همسایه بعد خانه».41

وصیت معصومین (علیهم السلام) پیش از وفات: آدمی همواره هنگام مرگ مهم ترین سفارش های خود را به بازماندگان خویش می نماید و آن چه را آرزو یا اهداف خود می انگاشته در قالب وصیت بازگو می نماید. مواردی از سیره و کلام معصومین (علیهم السلام) در هنگام درگذشت شان وارد شده است که آنان نیکی به همسایگان را وصیت خود قرار داده اند. در احوال امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام شهادتش نوشته اند که ایشان فرمود: «الله الله فی جیرانکم فانه وصیت نبیکم ؛ خدا را خدا را، در مورد همسایگانتان که به درستی این وصیت پیامبرتان هنگام رحلت است».42

همچنین نوشته اند مشکلات زندگی توان از فاطمه (علیهاالسلام) گرفته بود. تصمیم گرفت نزد پدر بزرگوار خویش برود و از ایشان راهنمایی ای برای بهتر شدن وضع زندگی خویش درخواست نماید. نزد پدر رفت و در کنارش نشست و از سختی و مشکلات زندگی خود با پدر سخن گفت. پیامبر (صلی الله علیه وآله) برخاست و به اتاقی دیگر رفت و دست نوشته ای پیچیده شده برای او آورد. آن را به فاطمه (علیهاالسلام) داد و فرمود: برای بهتر شدن وضع زندگانی ات آنچه را در این جزوه نوشته بخوان و بدان عمل کن. فاطمه (علیهاالسلام) دست نوشته را از پیامبر (صلی الله علیه وآله) ستاند و به خانه رفت و آن را گشود. دید در آن سه جمله نوشته شده است که یکی از آن ها این بود: «کسی که به پروردگار و روز رستاخیز ایمان داشته باشد هرگز به همسایه خویش آزار نمی رساند».43 این موارد به خوبی بیانگر اهمیت این فضیلت برجسته برای رهروان اهل بیت عصمت (علیهم السلام) است.

ضرورت پرهیز از آزار همسایه: در اسلام، حُسن هم جواری تعریف مشخصی دارد و بالتبع همسایه آزاری نیز به گونه ای آشکار معین شده است. شاید برای برخی، رعایت همسایه مفهوم واضحی نداشته باشد و ندانند که اساساً چه نوع رفتارهایی از مصادیق رعایت حقوق هم جواران محسوب می شود.

در این باره امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: «لَیسَ حُسن الجَوار کَفُّ الأذی وَ لکن حُسنُ الجَوارِ الصَّبرُ عَلَی الأذی؛ همسایه داری [تنها[ آزار نرساندن به همسایه نیست بلکه رفتار خوب با همسایه صبر پیشه کردن بر آزارهای اوست».44

با این وصف، اهل بیت اطهار (علیهم السلام) آزار رساندن به همسایه را حتی در مواقع آزار رسانی او نیز جایز نمی دانند بلکه در فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) پاسخ بدی با نیکی است.

در این باره نوشته اند: یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) همسایه ای داشت که پیوسته از او اذیت و آزار می دید به گونه ای که دیگر از آزار و اذیت هایش به تنگ آمده بود. نزد مولای خود امام صادق (علیه السلام) رفت و با ناراحتی عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا! همسایه ای دارم که پیوسته مرا آزار می دهد، چه کنم؟ امام با مهربانی به او فرمود: «با او رفتار مهربانانه داشته باش!» او حتی تحمل شنیدن نام همسایه اش را نداشت چه رسد به این که بخواهد با او مهربانی نیز بنماید. با خشم گفت: «خدا او را نیامرزد». امام با شنیدن این جمله از «عمرو بن عکرمة» ناراحت شد و رویش را از او برگرداند و دیگر با عمرو سخن نگفت. او که دوستدار امام صادق (علیه السلام) بود و دوست نداشت امام را با حالت ناراحتی وداع گوید برای توجیه سخن خود گفت: «آخر این همسایه مرا می آزارد و رفتار بدی با من دارد». امام با بی میلی به او فرمود: «آیا تو خیال می کنی اگر تو نیز با او بدرفتاری کنی به حق خود می رسی؟» عمرو پاسخ داد: «البته! اگر بخواهم حریف او هستم». امام فرمود: «همسایه تو مرد حسودی است و در مورد نعمت هایی که پروردگار از بخشش و مهربانی خود به دیگران می دهد حسادت می ورزد. از این رو اگر آن کسی که دارای نعمت های الهی شده است اهل و عیال داشته باشد او به اهل و عیال او آزار می رساند و اگر اهل و عیال نداشته باشد و خدمتکار داشته باشد به خدمتکار او آزار می رساند و اگر خدمتکار هم نداشته باشد شب ها را تا صبح بیدار می ماند و روزها را با خشم به پایان می رساند». سپس امام با بیان داستانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) سخن خود را کامل نمود. امام فرمود: «در عصر رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شخصی از انصار و مسلمانان مدینه خدمت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمد و عرض کرد: در فلان محله خانه ای خریده ام. در همسایگی آن خانه مردی زندگی می کند که نه به خیر او امیدی دارم و نه از گزند شر او در امان هستم، چه باید بکنم؟ پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) به سلمان و ابوذر و شخصی دیگری که به گمانم مقداد بود فرمود: به مسجد بروید و با صدای بلند اعلام کنید: آن کسی که به همسایه خود آزار برساند ایمان ندارد. علی (علیه السلام) و سلمان و ابوذر و مقداد به مسجد و اطراف آن رفتند و سه مرتبه این جمله را با صدای بلند اعلام نمودند و به اطلاع مردم رساندند. برای برخی این سؤال پیش آمد به چه کسی همسایه گفته می شود. پیامبر (صلی الله علیه وآله) با دست خود به چهار سمت خویش اشاره کردند و فرمودند: از هر یک از این چهار سمت تا چهل خانه، همسایه به شمار می آید».45

بهترین راهکار ارشاد همسایه بد: اسلام دین نیکی و نیکی کردن است و بهترین و کارآمدترین راه را برای ارشاد دیگران پاسخ ندادن به عمل ناشایست آنان و صبر در برابر رفتار آن ها می داند. البته این در شرایطی است که فرد در طرف مقابل خود احتمال اصلاح بدهد. از این رو معارف اسلامی، ما را به بردباری (تا جایی که امکان دارد) دعوت می نماید. نوشته اند روزی یکی از صحابه با چهره ای ناراحت نزد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) آمد و مقابل ایشان نشست و به ایشان عرض کرد که همسایه ای دارد که او را بسیار آزار می رساند و از دست آزار و اذیت های او به تنگ آمده است. پیامبر (صلی الله علیه وآله) وقتی سخنان مرد در مورد همسایه اش تمام شد با آرامش به او فرمود: «صبر کن و شکیبا باش!» مرد اطاعت کرد. رفت و مدتی بعد دوباره با همان قیافه نزد پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمد و از آزار همسایه خود نزد ایشان شکایت نمود ولی پیامبر باز هم او را دعوت به بردباری نمود. چند روز بعد برای بار سوم از همسایه خود گلایه کرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) وقتی دید آزار رسانی همسایه آن مرد پایانی ندارد راه حلی به او نشان داد و به او فرمود: «هنگامی که روز جمعه شد و مردم آماده شرکت در نماز جمعه شدند و به سوی مصلای نماز حرکت کردند اسباب و اثاثیه منزل خود را بیرون بیاور و سر راه مردم بگذار. آن گاه هر کس تو را ببیند می پرسد: چرا وسایل خانه ات را بیرون ریخته ای؟ تو نیز جریان همسایه خویش را برای آنان بازگو کن». روز جمعه شد و مرد بنابر دستور پیامبر (صلی الله علیه وآله) وسایل خانه خود را درون کوچه ریخت. اما پیش از آن که کسی از او بپرسد چرا چنین کرده ای همسایه او با اطلاع شد و از ترس آبروی خود نزد مرد آمد و گفت: «وسایلت را به خانه بازگردان. من با خدای خویش عهد می کنم که دیگر به تو آزار نرسانم».46

آخرین راهکار رفتار با همسایه بد: رعایت حق همسایه، حقی ثابت در اسلام و تا آخرین درجه توان الزام آور است اما اسلام برای وقتی که آزار همسایه از حد فراتر رفت و دیگر تحمل او ممکن نبود نیز راهکاری پسندیده و بجا در نظر گرفته است و حتی در این حالت نیز آزار او را جایز نمی داند بلکه واگذاردن عِقاب او به پروردگار را مطلوب تر می داند. به گونه ای که خودِ معصومین نیز از شر چنین همسایگانی به خدا پناه می برده اند. امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «أعوذ بالله من جار سوء فی دار إقامة؛ من از همسایه بد در محل اقامت خود به خدای خود پناه می برم».47

نوشته اند در همسایگی «اسحاق بن عمار» و مردی بی شرم و مردم آزار می زیست که با مسلمانان و شیعیان دشمنی داشت و چون در همسایگی اش یکی از شاگردان امام صادق (علیه السلام) می زیست بسیار او را آزار می داد. روزی تصمیم گرفت نزد مولای خود امام صادق برود و از همسایه خود که دشمن اهل بیت (علیهم السلام) و پیروان او بود شکایت نماید. وقتی از او نزد امام شکایت کرد، امام به او فرمود: «او را نفرین کن. بگذار خدا بین شما داوری کند». او به خانه رفت و همسایه بی دین خود را نفرین کرد اما نتیجه ای نگرفت. خدمت امام صادق (علیه السلام) رفت و گفت: «او را نفرین نمودم اما نتیجه ای نگرفتم». امام دوباره به او فرمود: «ای اسحاق بن عمار! باز هم او را نفرین کن که خدا شرش را به خودش برگرداند». عرض کرد: «مولای من! نفرین کردم ولی نتیجه ای نگرفتم». امام پرسید: «او را چگونه نفرین نمودی؟» گفت: «وقتی که با او رویا رو شدم». امام فرمود: «نه! بلکه او را در خلوت و وقتی با او رو در رو نیستی نفرین نما». شاید امام می خواستند که نفرین او به خاطر خشم نباشد و به خاطر خدا باشد تا خدا خود بین او همسایه اش داوری کند. او نیز در خلوت وی را نفرین کرد و پس از مدتی کوتاه با خبر شد که مرد همسایه آزار از دنیا رفته است.48

برخی آثار همسایه آزاری: نرمش نشان دادن با همسایه آثار و برکات فراوانی دارد. از جمله آن، جا گرفتن در دل مردم است. امام علی (علیه السلام) فرمود: مَن حَسُنَ جَوارُهُ کَثُرَ خَدَمُهُ؛ هر کس با همسایه خوش رفتاری کند خدمت گزاران او زیاد می شوند».49 از دیگر آثار همسایه داری رونق گرفتن محله ها و شهرهاست. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «حُسنُ الجَوار لَعمُرُ الدّیارَ و یُزیدُ فِی الأعمارِ؛ همسایه داری شهرها را آباد می کند و ساختمان ها را زیاد می نماید»50 زیرا مردم نسبت به همسایه داشتن ترغیب می شوند.

اما از سوی دیگر آزردن همسایه نیز تبعات بدی به دنبال خواهد داشت، تا جایی که امام رضا (علیه السلام) فرمود: «لَیسَ مِنّا مَن لَم یأمن جاره بِوائِقِه؛ از ما نیست کسی که همسایه اش از آزار او در امان نباشد».51 در این باره نوشته اند: روزی فردی عرب نزد امام صادق (علیه السلام) رفت و در مورد ارتباط با همسایه از امام پرسید. امام برای او که «کاهلی» نام داشت و از شاگردانش بود داستانی نقل کرد. امام فرمود: برادران یوسف (علیه السلام) او را از یعقوب (علیه السلام) جدا کردند و به چاه افکندند و پس از مدتی برادر تنی او «بنیامین» را نیز به بازار مصر بردند و به عنوان برده فروختند. یعقوب (علیه السلام) در حسرت آن دو بسیار گریست تا چشمانش نابینا شد. روزی با سوز دل به درگاه پروردگار عرض کرد: «بارالها! آیا به من رحم نمی کنی؟ چشمانم را که در حسرت دیدار فرزندانم گرفتی و بین من و آن ها جدایی انداختی!» پروردگار به یعقوب (علیه السلام) وحی کرد: حتی اگر یوسف و بنیامین را میرانده باشم برای تو زنده خواهم نمود تا شما را به هم برسانم. اما آیا تو نیز به یاد می آوری که روزی گوسفندی ذبح کردی و بریان نمودی و با هم خوردید اما به فلانی و فلانی که در همسایگی تو بودند چیزی از گوشت آن ندادی؟ یعقوب (علیه السلام) دانست که این مصیبتی که به آن دچار شده برخاسته از مراعات نکردن حال همسایگان خود است. از آن پس یعقوب (علیه السلام) هر روز که غذایی درست می کرد فرزندانش را تا فاصله دوری می فرستاد که هر کس غذا نخورده است به خانه یعقوب بیاید.52

پی نوشت ها:

1. بحارالانوار، ج 69 ، ص 370.

2. همان، ج 43، ص 81 ؛ ج 89 ، ص 313؛ ج 93، ص 388 (با اندکی تفاوت).

3. همان، ج 74، ص 151 و 387.

4. الاصول من الکافی، ج 1، ص 460، ح 7 ؛ بحارالانوار، ج 43، ص 61.

5 . بحارالانوار، ج 77 ، ص 320.

6 . الاصول من الکافی، ج 2، ص 666 ، ج 1 ؛ بحارالانوار، ج 74، ص 152.

7. الاصول من الکافی، ج 2، ص 668 ، ح 13.

8 . بحارالانوار، ج 74، ص 152.

9. الاصول من الکافی، ج 2، ص 510 ، ح 1.

10. غرر الحکم، حدیث 7967.

11. الاصول من الکافی، ج 2، ص 667 .

12. بحارالانوار، ج 74، ص 151.

13. الاصول من الکافی، ج 2، ص 666 ، ح 5 و 4.

سوتیترها:

آدمی همواره هنگام مرگ مهم ترین سفارش های خود را به بازماندگان خویش می نماید و آن چه را آرزو یا اهداف خود می انگاشته در قالب وصیت بازگو می نماید. مواردی از سیره و کلام معصومین (علیهم السلام) در هنگام درگذشت شان وارد شده است که آنان نیکی به همسایگان را وصیت خود قرار داده اند

«لَیسَ حُسن الجَوار کَفُّ الأذی وَ لکن حُسنُ الجَوارِ الصَّبرُ عَلَی الأذی؛ همسایه داری [تنها [آزار نرساندن به همسایه نیست بلکه رفتار خوب با همسایه صبر پیشه کردن بر آزارهای اوست»

رعایت حق همسایه، حقی ثابت در اسلام و تا آخرین درجه توان الزام آور است اما اسلام برای وقتی که آزار همسایه از حد فراتر رفت و دیگر تحمل او ممکن نبود نیز راهکاری پسندیده و بجا در نظر گرفته است و حتی در این حالت نیز آزار او را جایز نمی داند بلکه واگذاردن عِقاب او به پروردگار را مطلوب تر می داند